پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی – پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۹۱ – ۱۵۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۷

تبیین ژئوپلیتیکی منازعات بینادینی و مذهبی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا (از ۱۹۹۱ به بعد)

محمدرضا حافظ‌نیا[۱]
میثم میرزائی تبار[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

چکیده

هدف: کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا یکی از مناطق پرمنازعه جهان است. منازعات بینادینی و مذهبی میان پیروان اسلام و مسیحیت و یا میان گروه‌های منتسب به این ادیان با حکومت‌ها یکی از انواع منازعات این منطقه است. نکته مهم در بررسی منازعات، توجه به ریشه‌های وقوع آن‌هاست که یکی از ابعاد این موضوع، تحلیل ژئوپلیتیکی این نوع منازعات است. هدف از این پژوهش، تبیین ریشه‌های منازعات بینادینی و مذهبی در کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا از منظر ژئوپلیتیک است.

روش: پژوهش از نوع «بنیادی نظری» است و از نظر ماهیت، تحقیقی علمی توصیفی و در شیوه نگرش «توصیفی – تحلیلی» است. گردآوری اطلاعات با روش اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به انجام رسیده است. روش تحقیق نیز «کیفی» و برای تحلیل اطلاعات از روش‌های «تحلیل مضمون» و «تحلیل محتوا» استفاده شده است.

یافته‌ها: تحلیل ریشه‌های منازعات بینادینی و مذهبی در کمربند صفر تا ۱۵ آفریقا و از پایان جنگ سرد (۱۹۹۱ میلادی) نشان می‌دهد که در وقوع این نوع منازعات، نقش‌آفرینی متقابل عناصر «سیاست»، «قدرت» و «جغرافیا» و برآیندهای حاصل از آن، بارز بوده و منازعات از ماهیتی ژئوپلیتیکی برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری: از ۲۹ کشور کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا، ۲۱ کشور درگیر در انواع منازعات است که در ۷ کشور سومالی، اتیوپی، سودان، اوگاندا، جمهوری آفریقای مرکزی، نیجریه و ساحل عاج ۱۰ مورد «منازعات بینادینی و مذهبی» رخ داده و در جریان است. نگاه ریشه‌ای به علل منازعات بیانگر نقش ژئوپلیتیک در وقوع آنهاست. پژوهش به ۹ عامل ژئوپلیتیکی برای منازعات بینادینی و مذهبی دست یافته که قابل تعمیم به سایر منازعات از این نوع در مناطق دیگر جهان است.

واژه‌های کلیدی: آفریقا، کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی، ژئوپلیتیک، منازعه، منازعه بینادینی و مذهبی

۱. استاد گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) hafezn_m@modares.ac.ir
۲. استادیار گروه ژئوپلیتیک مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
m.mirzaeitabar@modares.ac.ir

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

مقدمه

اختلاف و منازعه پدیده و رویدادی دائمی در دنیای جانداران و عالم طبیعت از ابتدای خلقت بوده است. پدیده‌ای که در آینده نیز با شدت و ضعف تداوم خواهد یافت. آنچه اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند، وقوع منازعه در جوامع انسانی و میان انسان‌هاست که در مقیاس‌های مختلف از زندگی شخصی و فردی تا مقیاس جهانی میان قدرت‌ها و کشورهای جهان رخ می‌دهد. منازعه به تناسب علل و موضوع مورد اختلاف و محل نزاع، در انواع مختلف و متنوع، قابل دسته‌بندی است. یکی از عرصه‌های مورد نزاع، عرصه فرهنگی و اعتقادی در کشورهای با تنوع دینی و مذهبی است. این نوع منازعه، میان گروه یا گروه‌های انسانی پیرو دین و مذهبی خاص با گروه یا گروه‌های دینی و مذهبی دیگر یا سایر موجودیت‌های مکانی و فضایی و همچنین با حکومت‌ها به وقوع می‌پیوندد. بهترین عنوان برای معرفی این نوع از منازعات را می‌توان «منازعات بنیادینی و مذهبی» انتخاب کرد.

منطقه واقع در بین مدارهای صفر تا ۱۵ درجه شمالی قاره آفریقا ۲۹ کشور را به طور کامل یا بخشی قابل توجه و یا بخش محدود به شرح ذیل در خود جای داده است: اتیوپی، جیبوتی، سودان جنوبی، آفریقای مرکزی، کامرون، نیجریه، بنین، توگو، بورکینافاسو، غنا، ساحل عاج، گینه، گینه بیسائو، گینه استوایی، لیبریا، سیرالئون و گامبیا (به طور کامل)؛ سومالی، اریتره، کنیا، چاد، اوگاندا، سودان و سنگال (بخش قابل توجه)؛ و جمهوری دموکراتیک کنگو، کنگو، گابن، نیجر و مالی (بخش محدود).

یکی از ویژگی‌های بارز این منطقه، وقوع متعدد و متنوع منازعات میان گروه‌های انسانی است و به جرأت می‌توان آن را در ردیف پرمنازعه‌ترین مناطق جهان معرفی کرد. یکی از انواع منازعات در این منطقه، منازعات بنیادینی و مذهبی میان پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و یا میان گروه‌های منتسب به اسلام و مسیحیت با حکومت‌ها است.

نکته حائز اهمیت در بررسی این نوع منازعات، تحلیل و چرایی و ریشه‌یابی وقوع آنهاست. بررسی کلی ویژگی‌های منازعات بنیادینی و مذهبی در کمربند صفر تا ۱۵ آفریقا از پایان جنگ سرد (۱۹۹۱ میلادی) نشان از علل و ریشه ژئوپلیتیکی برای وقوع این منازعات و نقش‌آفرینی متقابل عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا و برآیندهای حاصل از آن دارد.

این پژوهش از نظر هدف «بنیادی نظری» است. از نظر ماهیت، تحقیقی علمی توصیفی و

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

در شیوه نگرش «توصیفی – تحلیلی» است. گردآوری اطلاعات با روش اسنادی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی به انجام رسیده است. روش تحقیق نیز «کیفی» است که در چارچوب این روش، برای تحلیل اطلاعات و یافته‌ها از «تحلیل مضمون» و «تحلیل محتوا» استفاده شده است. پژوهش با بررسی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا در بازه زمانی از پایان جنگ سرد (۱۹۹۱ میلادی)، در پی پاسخ به این سوال است که ریشه‌های ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی کدامند؟

۲- پیشینه پژوهش

ماهنامه خبری علمی و فرهنگی «گزارش و گفتگو» در شماره ۱۳ خود در مهر و آبان ۱۳۸۳، ترجمه مقاله‌ای را از الکساندر مورفی، جغرافیدان آمریکایی با عنوان «تراژدی منازعات بنیادینی» منتشر کرده است که در آن، به صورت توصیفی به معرفی مرزهای بنیادینی و وقوع منازعات در این چارچوب در کشورهای نیجریه، سودان، اتحاد جماهیر شوروی، سریلانکا، ایرلند شمالی، شاخ آفریقا، جنوب آسیا، جنوب شرق و غرب آسیا، اروپا و برخی کشورهای دیگر پرداخته شده است (مورفی، ۱۳۸۳: ۱۸۱–۱۷۰).

زهرا پیشگاهی فرد و ریحانه عالم در مقاله‌ای با عنوان «مناقشات منطقه شاخ آفریقا، ماهیت و ریشه‌ها» که در شماره ۲۰ فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است با بررسی ماهیت و ریشه‌های مناقشات شاخ آفریقا اشاره مختصری به موضوع منازعه مسلمانان و مسیحیان در این منطقه کرده اما مستقیم و جامع به موضوع ورود نکرده‌اند (پیشگاهی‌فرد و عالم، ۱۳۹۲: ۱۶۱–۱۳۳).

موسسه مطالعات بین‌الملل دانمارک (DIIS) در سال ۲۰۰۶ میلادی در گزارشی ۱۴۰ صفحه‌ای با عنوان «مذهب و منازعه در آفریقا: با تمرکز خاص بر شرق آفریقا» به قلم بیورن مولر به بررسی نقش دین و مذهب در وقوع منازعات در آفریقا خصوصاً در شرق این قاره در کشورهای جیبوتی، اتیوپی، اریتره، سودان، سومالی، کنیا، تانزانیا و اوگاندا که مردم آن از پیروان ادیان اسلام و مسیحیت و آیین‌های سنتی آفریقایی هستند، پرداخته است. در این گزارش دیدگاه ژئوپلیتیکی به موضوع دیده نمی‌شود اما در نهایت نویسنده نتیجه‌گیری کرده است که ارتباط معناداری میان تمایل به منازعه یا اقدام تروریستی و عامل دین و مذهب وجود

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

ندارد. به این معنا که نه تنوع مذهبی و دینی باعث وقوع منازعه شده و نه تسلط کامل یک دین بر یک کشور یا منطقه باعث وقوع آن بوده است (Møller, 2006: 1-140).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود درباره منازعات دینی و مذهبی، بیشتر جنبه توصیفی و کلی داشته و اشاره اختصاصی به منازعات بنیادینی و مذهبی از منظر ژئوپلیتیک ندارند. به عبارتی تاکنون پژوهشی که به صورت خاص منازعات بنیادینی و مذهبی در قاره آفریقا یا کشور و منطقه‌ای در این قاره را تبیین ژئوپلیتیکی کرده باشد، انجام نشده است. لذا از این منظر، خلاء پژوهشی وجود دارد. از آنجایی که پژوهش‌های کنونی رویکرد ژئوپلیتیکی به مسئله پژوهش ندارند بنابراین کاربرد آن‌ها در پژوهش حاضر محدود و بیشتر می‌توانند شناخت کلی از موضوع منازعات مذهبی را ارائه کنند.

۳- چارچوب نظری پژوهش

۳-۱- ژئوپلیتیک

تعاریف مختلفی از ژئوپلیتیک ارائه شده است که پنج دیدگاه عمده شامل تأثیر جغرافیا بر امور نظامی – استراتژیک؛ تأثیر یک‌جانبه جبری جغرافیا بر سیاست به ویژه روابط بین‌الملل؛ تأثیر دوجانبه جغرافیا و سیاست؛ تحلیل فضایی مناسبات و ساختار قدرت و رقابت جهانی؛ و دانش عملی فضایی‌سازی سیاست‌ها و هدایت رقابت‌ها را می‌توان از آن‌ها برداشت کرد. در مجموع، ژئوپلیتیک «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۶). از نظر مقیاس عملکردی، برخی قائل به کاربرد بین‌المللی و مقیاس کروی ژئوپلیتیک هستند اما برخی دیگر معتقدند که ژئوپلیتیک نه تنها در مقیاس جهانی و بین‌المللی بلکه در مقیاس محلی نیز موضوعیت دارد. با وجود این، نقطه اشتراک تعاریف، وجود مفاهیم جغرافیا، سیاست و قدرت، روابط متقابل این عناصر و شکل‌گیری فضای رقابتی میان بازیگران برای کسب قدرت و افزایش حوزه نفوذ است.

۳-۲- منازعه بنیادینی[1] و مذهبی

منازعه وضعیتی است که از سوء تفاهم میان کنشگران آغاز می‌شود و با ناسازگاری هر

1. Interreligious Conflict

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

چه بیشتر منافع آن‌ها به سمت اختلاف، تنش، بحران و در نهایت وقوع جنگ حرکت می‌کند (وفایی فرد و طالبی آرانی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). گاهی در کشورها یا مناطقی که دارای تنوع دینی هستند، سایر اشتراکات فرهنگی از قبیل زبان، آداب و رسوم، ملیت، قومیت و ... تحت الشعاع تفاوت‌های دینی و مذهبی قرار می‌گیرند و ممکن است به دلایل مختلف از قبیل اختلافات در تعالیم و آموزه‌های دینی و مذهبی یا تفاوت‌های سیاسی و فرهنگی میان دو گروه دینی یا دو گروه مذهبی در یک دین، تنش، اختلافات، منازعه و خشونت میان اعضای آن بروز کند که این نوع منازعات را منازعه دینی یا بنیادینی می‌نامند. این منازعه ممکن است برای دستیابی گروهی دینی به مکانی یا محلی مقدس باشد که میان دو گروه دینی یا مذهبی یا حتی چند گروه بر سر آن اختلاف وجود دارد (Warf, 2006: 407).

۳-۳- نظریه سازه‌انگاری

طبق نظریه سازه‌انگاری، دنیای اجتماعی بیشتر زمینه‌ای بین ذهنی است. یعنی برای افرادی که آن را ساخته‌اند و در آن زندگی می‌کنند و آن را می‌فهمند، دارای معنی است. سازه‌انگاران بر نقش عقاید و شناخت مشترک دنیای اجتماعی تأکید دارند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۳۰۶-۳۰۵). از نظر آن‌ها، واقعیات روابط بین‌الملل در بیرون از ذهن افراد و گفتمان‌ها نیستند بلکه در درون آن‌ها ساخته می‌شوند (Saville, 1996: 189). سازه‌انگاران بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تاکید دارند (Jepperson & et al, 1996: 48). تأکید آن‌ها بر نقش فرهنگ و هویت در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، توجهات را به سوی رویارویی فرهنگ‌ها و نقش آن در بروز منازعات جلب کرده است. نقش فرهنگ و چگونگی تأثیرگذاری آن در نظریه سازه‌انگاری، تئوریزه و به آن نقش متغیر مستقل داده شده است و به عنوان عامل شکل دهنده به هویت حکومت‌ها و برداشت آنها از خود و دیگران بروز می‌یابد (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۳۷). سازه انگاران در مطالعه امنیت توجهی دقیق به نفوذ و تأثیرات فرهنگ و هویت بر خط و مشی‌ها و اقدامات امنیتی دارند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱). آن‌ها منشاء امنیت و ناامنی را در شیوه تفکر بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات خصوصاً منافع و تهدیدات جستجو می‌کنند و معتقدند هر اندازه ادراک و نحوه نگرش بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات نامتجانس‌تر و متناقض‌تر باشد، بی‌اعتمادی میان آنها افزایش می‌یابد (راس و استار، ۱۳۸۱:

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

۲۷۲). براساس پارادایم سازه‌انگاری برای فهم اینکه چرا در صحنه نظام بین‌الملل، منازعه یا همکاری صورت می‌گیرد باید به بررسی این موضوع پرداخت که کشورها چه تصوری از منافع و محیط اطراف خود دارند و چگونه این تصور به خط و مشی سیاسی و جهت‌گیری سیاست خارجی آنها تبدیل می‌شود (مسعودی، ۱۳۸۸: ۱۲).

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- منازعات بنیادینی و مذهبی در کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا

از ۲۹ کشور کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا، از پایان جنگ سرد (۱۹۹۱ میلادی)، ۷ کشور اتیوپی (۱ مورد)، سودان (۱ مورد)، جمهوری آفریقای مرکزی (۱ مورد)، نیجریه (۲ مورد)، سومالی (۳ مورد)، اوگاندا (۱ مورد) و ساحل عاج (۱ مورد) درگیر در ۱۰ منازعه بنیادینی و مذهبی به شرح ذیل بوده‌اند: منازعات گروه الاتحاد الاسلامی (AIAI) در سومالی؛ منازعات اتحاد محاکم اسلامی (ICU) با دولت فدرال انتقالی در کشور سومالی؛ منازعات گروه شورشی الشباب سومالی؛ منازعات بنیادینی مسیحیان و مسلمانان در اتیوپی؛ منازعات دولت سودان با جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) و جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان شمال (SPLM/A-N) قبل و پس از تقسیم سودان به دو کشور؛ منازعات گروه ارتش مقاومت خدا (LRA) با دولت در اوگاندا؛ منازعات سلکا با آنتی بالاکا در جمهوری آفریقای مرکزی؛ منازعات بنیادینی–قومی مسلمانان و مسیحیان نیجریه؛ منازعات شبه‌نظامیان بوکوحرام با دولت در نیجریه؛ و منازعه گروه‌های قومی و دینی در مناطق غربی و شمالی ساحل عاج.

۴-۲- ریشه‌های منازعات بنیادینی و مذهبی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا

۴-۲-۱- قلمروخواهی و قلمروگستری پیروان ادیان و تلاش برای تأسیس کشور و حکومت دینی

در ارتباط با منازعات بنیادینی مسلمانان و مسیحیان در اتیوپی، از سال ۱۹۹۱ میلادی با پیروزی جبهه انقلابی دموکراتیک خلق اتیوپی (EPRDF) بر حکومت درِگ، قانون اساسی جدید، آزادی‌های دینی را در چارچوبی لیبرال ارائه کرد و محدودیت مسلمانان برای انجام مناسک حج، ساخت مساجد و دریافت و انتشار متون دینی لغو شد (Østebø, 2013: 1037).

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

پیروان اسلام و کلیسای مسیحی ارتدوکس در اتیوپی همواره در رقابت و منازعه با یکدیگر بوده‌اند. یکی از موارد رقابتی، دیده شدن نمادهای آنها در فضاهای عمومی است (Stock-mans, 2014: 83). ایجاد نمادها و ساخت اماکن دینی (کلیسا و مساجد) در شهرهای اتیوپی و خلق چشم اندازهای خاص از سوی مسیحیان و مسلمانان، از سال ۱۹۹۱ میلادی به بعد باعث منازعه دو طرف شد (Abbink, 2011: 270). کلیسای ارتدوکس اتیوپی افزایش نمادهای اسلامی در شهرها و پایتخت را تهدیدی علیه خود می‌داند. در سال ۲۰۰۶ میلادی، در اعتراضات مسیحیان به ساخت مسجد موهاجیران در اطراف سیدست کیلو و در پشت کلیسای سنت مریم یک نفر کشته شد (Stockmans, 2014: 83). در سال‌های بعد نیز با پیشنهاد ساخت مسجد در شهر قدیمی آکسام –که به پایتخت کلیسای ارتدوکس اتیوپی معروف است– مخالفت، از ساخت مسجد در شهر لالیبلا[1] جلوگیری و در ساخت مسجد در آدیس آبابا محدودیت ایجاد شد (Abbink, 2011: 270). به مرور، بخش‌هایی از فضاهای عمومی کلیسای ارتدوکس اتیوپی در آدیس‌آبابا به دلیل از دست دادن پیروان در کنترل ادیان دیگر خصوصاً اسلام قرار گرفته است و اسلام را تهدیدی برای خود می‌داند (Stockmans, 2014: 83). در مجموع، منازعات مسلمانان و مسیحیان اتیوپی بر سر توسعه قلمرو و قلمروسازی با در اختیار گرفتن فضاها و مکان‌ها جهت تسلط بر سرزمین و حاکمیت سیاسی اتیوپی است.

در شاخ آفریقا، هدف گروه الاتحاد الاسلامی (AIAI) تأسیس کشور و حکومت اسلامی سومالی[2] و الحاق قوم سومالی در اتیوپی و منطقه اوگادن به آن اعلام شد (Shinn, 2005: 101). این گروه در سال ۱۹۹۶ میلادی تصمیم به اتحاد جوامع محلی متشکل از قوم سومالی گرفت و استراتژی بلندمدت را تأسیس حکومت اسلامی مطابق تفکر خود در کشور سومالی قرار داد (Menkhaus, 2005: 35).

در منازعات میان شمال و جنوب سودان برای تأسیس سودان جنوبی با اکثریت مسیحی، جان گارانگ هدف از تأسیس جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) در سال ۱۹۸۳ میلادی را تلاش برای ایجاد «سودان جدید» در جنوب با برخورداری از استقلال، دموکراتیک، متحد و کثرت‌گرا اعلام کرد (LaVerle, 2015: 263).

در ارتباط با منازعات و اقدامات خشونت‌آمیز بوکوحرام در نیجریه، این گروه در پی

1. Lalibela
2. Islamic Somali state

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

تبدیل نیجریه به کشوری با حاکمیت حکومت مسلمان وهابی است. محمد یوسف، بنیانگذار بوکوحرام درباره اهداف این گروه گفت: «... هدف اصلی ما بازسازی سیستم حقوقی شریعت در خط آموزه‌های قرآن کریم است. می‌خواهیم قانون اساسی نیجریه ملغی، دموکراسی معلق و یک حکومت کاملاً اسلامی تأسیس شود...» (Solomon, 2015: 90). هدف بوکوحرام در ابتدا، تأسیس دولت شرعی اسلامی در ایالت برونو نیجریه اعلام شد اما پس از کشته شدن محمد یوسف بنیانگذار آن در سال ۲۰۰۹ میلادی، این گروه اعلام کرد که در پی تشکیل حکومتی اسلامی و اسلامی کردن تمام نیجریه است؛ در حالی که حدود نیمی از نیجریه غیرمسلمان هستند (Adewunmi Falode, 2016: 43).

در ساحل عاج خصوصاً در مناطق غربی و شمالی کشور، بخشی از عوامل منازعه گروه‌های قومی و دینی «مشاجره بر سر مکان‌های دینی و مذهبی» است (Quitzow, 2008: 34).

در سومالی، اتحاد محاکم اسلامی (ICU) در کوتاه‌مدت در پی تشکیل حکومت اسلامی براساس قانون شریعت است اما به ادعای رسانه‌ها، این گروه در درازمدت، تشکیل حکومت اسلامی بزرگ در شرق آفریقا را پیگیر است (west, 2006). این گروه، اهداف سیاسی آرمانی خود را در قالب شعارهای «اتحاد همه سومالیایی‌ها در شاخ آفریقا»، «استقرار حکومتی براساس قوانین شرعی اسلامی» و «جهاد علیه اتیوپی» اعلام کرد (Abbink, 2009: 101-102).

گروه الشباب در سومالی و شاخ آفریقا در تلاش برای تأسیس «امارت اسلامی» نه تنها در کشور سومالی بلکه در سراسر مناطق محل سکونت قوم سومالی در شاخ آفریقاست (Rudincová, 2011: 276). در واقع، این گروه با روش‌های خشونت‌آمیز و ایجاد هسته وهابیت در کشور سومالی درصدد تشکیل حکومتی اسلامی متشکل از مردم قوم سومالی در کشورهای سومالی، جیبوتی، کنیا و اتیوپی است. الشباب در درازمدت ترویج ایدئولوژی خود در شاخ آفریقا و سپس مرکز، جنوب و شرق این قاره با هدف مقابله با نفوذ غرب، و گسترش تفکر وهابیت در آفریقا را نیز پیگیری می‌کند (Ali, 2008: 3).

در اوگاندا منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) برای تأسیس حکومت مسیحی است. در منابع مختلف، هدف از تشکیل آن، سرنگونی دولت موسونی و جایگزینی آن با حکومتی دینی (مسیحی) بر مبنای ده فرمان[1] (ده دستور مذهبی خداوند در باور مسیحیت و یهودیت)

1. Ten Commandments

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

(Marine Corps Intelligence Activity, 2014: 75) و جهان‌بینی سنتی قوم آکولی اعلام شده (Kisiangani, 2011: 3) و تأکید بر این بوده است که این گروه، برای استقرار حکومت بنیادگرای مسیحی در اوگاندا مبارزه می‌کند (Heidelberg Institute for International Conflict Research, 2005: 23).

در موارد ذکر شده، قلمروخواهی و قلمروگستری یا از سوی پیروان اسلام و مسیحیت بوده که منجر به منازعه میان آن‌ها شده است و یا توسط گروه‌های اسلامی و مسیحی پیگیری شده که عمدتاً در پی آن، منازعه میان آن‌ها با دولت‌ها رخ داده است. تقریباً در تمام موارد، هدف نهایی قلمروخواهی و قلمروگستری، تأسیس حکومت و کشور مطابق با هویت دینی خاص پیروان یا گروه‌ها بوده است.

۴-۲-۲- دفاع از هویت و ارزش‌های دینی

در اتیوپی، در کنار تلاش پیروان ادیان برای گسترش قلمرو و مقابله با ترویج عقاید یکدیگر از طریق نمادهای دینی، اغلب منازعات مسیحیان و مسلمانان در عرصه به چالش کشیدن عقاید و اندیشه‌های دینی طرفین پیگیری شده است. نشریات منتسب به مسلمانان، عقاید مسیحیان را زیر سوال برده و مسیحیان نیز در سال ۲۰۰۲ میلادی کتاب «تحریف تاریخ اسلام» را علیه مسلمانان منتشر کردند (Abbink, 2011: 266-267). نشر مطالب علیه عقاید دو طرف در مطبوعات وابسته به گروه‌های دینی، توزیع فایل‌های صوتی سخنرانی و خطابه‌های بحث‌برانگیز علیه ادیان و انتشار مطالب علیه دولت اتیوپی و سیاست‌های آن نسبت به مسیحی‌ها و مسلمانان در فضای مجازی و ... از جمله اقدامات دیگر است (Ibid: 271-272).

در سودان و در ارتباط با منازعات جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) با دولت مرکزی و تقسیم این کشور، تفاوت‌های هویتی مردم شمال و جنوب، یکی از ریشه‌های منازعات است. ساکنان شمال سودان بر مسلمان و عرب بودن و جنوبی‌ها بر آفریقایی سیاه و مسیحی بودن تأکید دارند (Jok, 2001: 74). تفاوت‌های فرهنگی و دینی اغلب منبع منازعات و عامل کشته و آوارگی میلیون‌ها شهروند سودانی است (Oppong, 2010: 9) و مردم شمال به دلیل این تفاوت‌ها از مردم جنوب جدا شده‌اند (Ibid: 59). هویت نژادی شمال عربی و جنوب عمدتاً آفریقایی سودان، در طول تاریخ نهادینه و باعث ایجاد احساسات برتری‌جویانه یک گروه بر دیگری شده و هر گروه در پی اثبات برتری فرهنگ خود بر دیگری است (Jok,

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

2001: 7). لذا یک علت اصلی منازعات داخلی سودان از نظر تاریخی، حضور دو هویت قومی یا نژادی و دینی است (Georgetown University, 2013: 10).

هویت و ارزش‌های هویتی و دینی مؤلفه‌ای مهم در کشورهایی مواجه با منازعات بنیادینی و مذهبی است و در اغلب موارد، تهدید این مؤلفه با واکنش منفی مواجه شده و منازعه پیروان ادیان را در پی دارد که در کمربند صفر تا ۱۵ شمالی در اتیوپی و سودان و در میان پیروان ادیان مسیحیت و اسلام بارز بوده است.

۴-۲-۳- اجرای سیاست‌های استعماری مرتبط با پیروان ادیان

بخشی از ریشه‌های منازعات سلِکا مسلمان و آنتی‌بالاکا عمدتاً مسیحی در جمهوری آفریقای مرکزی، مربوط به اقدامات استعماری است. قدرت استعمارگر (فرانسه) مسلمانان گله‌دار فولانی امبورو را برای تأمین منافع خود، مورد حمایت قرار داد. از سال ۱۹۳۱ میلادی، اختصاص زمین‌های کشاورزی منطقه بوار[1] برای چرای دام‌ها قوم فولانی توسط فرانسه موجب اعتراض کشاورزان قوم جی‌بایا (با داشتن ۲۹ درصد جمعیت) شد و مردم فولانی به تصرف زمین متهم شدند. چنین تقابلی، تصویری بد از مسلمانان ترسیم کرد (Deiros, 2014: 4). ذهنیت رنج و ترس از دلالان برده مسلمان در حافظه غیرمسلمانان باقی ماند. فرانسه همچنین برای جلوگیری از قیام‌های ضد استعماری و ایجاد سدی مقابل دشمنان، دید خصمانه‌ای از اسلام تبلیغ می‌کرد (Kam Kah, 2014: 37). ذهنیت بد درباره مسلمانان جمهوری آفریقای مرکزی سبب شد تا آنها در حاشیه قرار گیرند (Deiros, 2014: 5).

یکی از ریشه‌های منازعات جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) با دولت مرکزی و تقسیم سودان، در حاشیه قرار گرفتن بخشی از ملت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قومی، فرهنگی و دینی بر اثر ایجاد مرزهای تحمیلی توسط کشورهای مهاجم بیگانه است (Dor, 2017: 66). به دلیل مسائل حل نشده تاریخی و عملکرد حکومت‌های استعماری قرن نوزدهم در سودان، غیرعرب‌ها در سیستم سیاسی و اقتصادی در حاشیه قرار گرفتند (Essien & Falola, 2009: 11-12). در دوره کاندومینیوم با حاکمیت مشترک مصر–بریتانیا بر سودان از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۵۳ میلادی، در حالی مناطق شمال و جنوب در یک منطقه اداری واحد ادغام شدند که مردم جنوب سودان از تسلط سیاسی مردم شمال بر خود ترس

1. Bouar

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

داشتند. پس از توافق فوریه ۱۹۵۳ مصر و بریتانیا برای اعطای استقلال به سودان در سال ۱۹۵۶ میلادی، منازعات شمال و جنوب افزایش یافت. مجادلات دینی نیز بر شدت منازعات افزود (Georgetown University, 2013: 5). اختلافات سودانی‌ها بیشتر بر اثر سیاست‌های تبعیض‌آمیز مدیریتی دوران عثمانی و حکومت مشترک مانند سیاست‌های جدایی‌ساز تحت کنترل استعمار بریتانیا برای اداره جنوب و از زمان استقلال سودان در سال ۱۹۵۶ میلادی رشد کرد (Barltrop, 2011: 14). به دلیل تلاش‌های حاکمان استعماری برای به حداقل رساندن گسترش اسلام در سودان، مسیحیت در جنوب و مناطق دیگر در شرق و غرب این کشور بیش از شمال رشد کرد (Essien & Falola, 2009: 6-7).

یک ریشه اصلی منازعات بنیادینی اقوام مسلمان و مسیحی در نیجریه، استفاده ابزاری از دین توسط قدرت استعماری وقت است. نیجریه جامعه‌ای ناهمگون با حضور پیروان اسلام و مسیحیت است. منشاء بسیج دین به عنوان ابزار سیاست‌ها در نیجریه را می‌توان در دوران استعمار دانست. استعمارگران بریتانیایی ادعای ایجاد نیجریه سکولار را داشتند اما مدیریت استعماری، آگاهانه از دین به عنوان ابزار ایجاد صلح و آرامش استفاده کرد. یک نتیجه کلیدی آن، افزایش بسیج هویتی و تجدید حیات سیاست‌های هویتی در هر دو زمینه اجرای شریعت اسلامی و واکنش‌ها به آن بوده است (Jacob & Saad, 2011: 32). به اعتقاد بسیاری از ناظران، نیجریه امروز دو کشور شمال مسلمان و جنوب مسیحی است اما با تحمیل بریتانیا مجبور به پذیرش یک حاکمیت سیاسی، سرزمین، منابع طبیعی و سبک زندگی واحد شده است (Phillips, 2004: 49). در ارتباط با منازعات بوکوحرام با دولت نیجریه نیز، این گروه برآمده از نارضایتی نسبی است که در اثر سلطه بیش از دو قرن استعمار انباشته شده و به صورت سازمان‌دهی پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز بروز یافته است (دهشیری و فیاضی، ۱۳۹۶: ۲۸).

در سومالی یکی از علل منازعات اتحاد محاکم اسلامی (ICU) و گروه الشباب رویکرد قومی و دفاع از قوم مسلمان سومالی به دلیل تقسیم مردم آن است. در سال‌های ۱۸۸۵-۱۸۷۵ میلادی، سرزمین‌های آباء و اجدادی مردم سومالی میان چهار قدرت استعماری یعنی بریتانیا، اتیوپی، فرانسه و ایتالیا تقسیم شد (موبر، ۱۳۷۹: ۳۴۲).

یکی از ریشه‌های منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) در اوگاندا، اقدامات استعماری از طریق در حاشیه قرار دادن مردم شمال این کشور است. این گروه، نمونه کلاسیک یک گروه

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

جنگ‌سالار غیرپاسخگو در یکی از فضاهای با حاکمیت ضعیف دولتی و نتیجه تاریخ سیاسی اوگاندا است. در دوران استعمار بریتانیا، مردم جنوب اوگاندا دسترسی بیشتری به امکانات آموزشی، سرمایه‌گذاری اقتصادی در کشاورزی و پست‌های غیرنظامی در دولت داشتند اما شمالی‌ها، مناسب برای انجام خدمات نظامی تلقی می‌شدند و منطقه آنها بیشتر منبع کار ارزان و محلی برای سرمایه‌گذاری پایدار بود (Sage, 2011: 2).

استعمار بر مسائل فرهنگی و دینی نیز اثرگذار بوده است و به دلیل خوی بی‌عدالتی استعمارگری، یکی از جنبه‌های اثرگذاری آن، نقش داشتن در وقوع منازعه میان ادیان بوده است که در آفریقای مرکزی، سودان، نیجریه، سومالی و اوگاندا در منازعات میان پیروان ادیان و منازعات میان گروه‌های مذهبی با دولت‌ها مؤثر بوده است.

۴-۲-۴- سیاست‌های حکومتی ناقض حقوق دینی شهروندان

در شرق سودان، اکثریت مردم پیرو اسلام صوفی هستند اما پیروان آن معتقدند که دولت در تلاش برای تضعیف این منطقه است (Young, 2007: 20). در ارتباط با منازعات جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) با دولت مرکزی سودان و تقسیم این کشور، تنش عرب‌های مسلمان و غیرعرب‌ها یا غیرمسلمانان سودان، از قرن نوزدهم جنبه دینی پیدا کرده و بر سر مسائلی از قبیل تدوین قانون اساسی بر پایه آموزه‌های اسلامی بوده است (Essien & Falola, 2009: 11). اجرای قوانین شریعت اسلامی در سطح ملی در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، منجر به جدایی مردم مسیحی و مسلمان و منازعات خونین شد (Georgetown University, 2013: 10). یک سال بعد از لازم‌الاجرا شدن قوانین شریعت اسلامی برای همه مردم در سپتامبر ۱۹۸۳ میلادی توسط نیمیری، سودان مجدد صحنه درگیری شمال و جنوب شد (Oppong, 2010: 70). تلاش حکومت سودان برای اسلامی‌سازی و عربی‌سازی کشور، نقش مهمی در منازعات بین قومی و بنیادینی داشت (Essien & Falo-la, 2009: 42). (Gebrewold-Tochalo, 2009: 159). در جنگ داخلی سودان پس از سال ۱۹۹۰ که جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) یکی از طرف‌های منازعه با دولت بود، در درجه اول، منازعه میان مردم غالباً مسلمان و عرب شمال سودان با مردم مسیحی و آفریقایی کمتر توسعه‌یافته جنوب بود. دین نماد اصلی هویتی بود اما تنها عامل نیست. جنوب سودان مطالبه آزادی سیاسی، فرصت‌های اقتصادی و توجه به هویت آفریقایی نیز داشت (Georgetown University, 2013: 4).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

در منازعات اقوام مسلمان و مسیحی در نیجریه «عدم گفتگوی موثر بینادینی و عدم توجه به احساسات گروه‌های دیگر»، تعصبات دینی، تحریک برای کنترل منابع، نابرابری در مقیاس وسیع، فقر و بیکاری جوانان را افزایش داد (Nwankwo, 2015: 298). اجرای قانون شریعت اسلامی در ایالت‌های شمالی نیجریه نیز تنش‌های مسلمانان و مسیحیان را شدت بخشید (Williams & Shenley, 2012: 40). منازعات خصوصاً در شهرهای شمالی کانو[1]، کادونا[2]، جوس[3] و زامفارا[4] با تشکیل دادگاه‌های شرعی اسلامی تشدید شد و جنوبی‌ها خواستار خودمختاری شدند (Ebegbulem, 2011: 83-84). در واکنش به گسیختگی فرهنگی، فضایی، قومی و دینی در نیجریه، سیستم فدرالیسم حاکم شد. در این چارچوب، تحول بزرگ در ارتباط با مسئله هویت قومی و دینی، الزام به اجرای قوانین شرع اسلامی در دادگاه‌های برخی ایالت‌های شمالی نیجریه در اکتبر ۱۹۹۹ میلادی بود. این اقدامات آتش منازعه را میان اقوام مسلمان و مسیحی در شمال و جنوب شعله‌ور کرد. مردم مسیحی خصوصاً در جنوب از تحمیل قانون شریعت و ادامه تسلط سیاسی اقوام مسلمان شمال بر کشور ناراضی بودند (Jacob & Saad, 2011: 31).

با توجه به موارد ذکر شده، در سودان و نیجریه، اجرای سیاست خاص از سوی دولت‌ها بدون در نظر گرفتن حقوق پیروان ادیان، نقض کننده حقوق دینی یک قشر از جامعه در مقابل دیگری بوده و همین عامل سبب منازعه شده است.

۴-۲-۵- عدم برقراری عدالت فضایی برای شهروندان و پیروان ادیان

یکی از ریشه‌های منازعات علیه دولت در شمال جمهوری آفریقای مرکزی، در حاشیه قرار گرفتن این منطقه است. استان‌های واکاگا[5] و هوته-کوتو[6] با اکثریت ساکنان مسلمان، به طور عمده در حاشیه بودند. سه هدف اصلی ائتلاف شورشی سِلِکا که عمدتاً از مسلمانان بخش شمالی هستند، سرنگونی دولت بوزیزه، تسلط بر دولت و تصاحب منابع طبیعی اعلام شد (Siradag, 2016: 88-89). درباره منازعات سِلِکا و آنتی‌بالاکا، منطقه واکاگا در شمال

1. Kano
2. Kaduna
3. Jos
4. Zamfara
5. Vakaga
6. Haute-Kotto

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

شرق جمهوری آفریقای مرکزی سنگر ائتلاف سِلِکا شد. این جمعیت مسلمان چندین دهه توسط حکومت نادیده گرفته شدند و به چاد و سودان روابط نزدیک شدند. مسلمانان این کشور، در اقلیت هستند و از آنها با عنوان «خارجی» یاد شده است. این محرومیت از هویت ملی، سبب شد تا با تشکیل گروه و جذب نیرو به بازیگری خطرناک در منازعات جمهوری آفریقای مرکزی تبدیل شوند (Deiros, 2014: 5).

بخشی از دلایل منازعات شمال مسلمان و جنوب مسیحی سودان، توسعه نابرابر دو منطقه و ریشه عمده آن‌ها، نابرابری در توزیع قدرت سیاسی و اقتصادی و عدم تعادل در روند توسعه کشور است (Barltrop, 2011: 15). مردم جنوب سودان احساس ناامنی داشتند و دولت را حافظ امنیت خود نمی‌دانستند (Essien & Falola, 2009: 42). در سال ۱۹۷۹، پس از کشف نفت در منطقه بنتیو[1] در نیل علیا، نیمیری مالکیت جنوب بر این منطقه را انکار و با تغییر مرزهای شمال و جنوب، ذخایر نفتی در کنترل شمال قرار گرفت. مردم جنوب این اقدام را تلاشی برای غارت ذخایر نفت به نفع شمال دانستند. همچنین در زمان نیمیری، کنترل آب رود نیل علیا، استفاده از زمین‌های کشاورزی و گله‌داری جمعیت بومی برای گسترش کشاورزی تجاری مکانیزه و انحلال دولت قانونی منطقه‌ای در جوبا و تقسیم آن به سه زیرمنطقه در جنوب اقداماتی علیه مردم جنوب تلقی شد (Oppong, 2010: 68-69).

در نیجریه توسعه نیافتگی اقتصادی، به حاشیه رانده شدن برخی اقوام و پیروان ادیان و تلاش برای کنترل منابع خصوصاً زمین (Ebegbulem, 2011: 89)، شکست در ایجاد دولت خوب و ارتقای وحدت ملی، عدم تحقق رشد اقتصادی و افزایش فقر و بیکاری از عوامل موثر در منازعات قومی–دینی است (Alhaji-shehu, 2012: 57). بخشی از دلایل شکل‌گیری بوکوحرام در نیجریه، اقتصادی و اجتماعی است. بوکوحرام راهکار «اجرای عدالت برای شهروندان تحت ستم» را تأسیس حکومت اسلامی می‌داند (Asuelime & David, 2015: 112). کانون اصلی شکل‌گیری این گروه و ترویج اندیشه و اقدامات آن، نیمه شمالی نیجریه است که مردم آن دچار فقر و بیکاری هستند. اعضای بوکوحرام را بیشتر جوانان بیکار و به حاشیه رانده شده تشکیل می‌دهند (Azunna, 2015: 51). در واقع، فقر شدید، فضای نامناسب سیاسی، سیاست‌های دوگانه دولت در مناطق مسلمان نشین و مسیحی‌نشین، رکود اقتصادی، نبود آموزش، بیکاری،

1. Bentiu

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

فساد و در معرض خطر قرار گرفتن هویت دینی شهروندان سرخورده مناطق شمالی را به سوی جذب در گروهی سوق داده است که وعده دگرگونی بنیادی در جامعه را می‌دهد و برای دستیابی به خواسته‌های خود، از خشونت استفاده می‌کند (محقر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

اعضای ارتش مقاومت خدا (LRA) در اوگاندا، خود را جنگجویان مردم آکولی می‌دانند و معتقدند که این قوم به حاشیه رانده شده و از فرآیند توسعه اوگاندا توسط «حکومت سرکوب‌گر» محروم مانده است (Schomerus, 2007: 12). باور جمعی مردم آکولی نیز سکونت در منطقه‌ای در حاشیه قرار گرفته و قومی در حاشیه مانده است (Jackson, 2010: 17). سورکر فینستروم، پژوهشگر سوئیسی یکی از مهمترین مسائل در کانون منازعات منطقه شمال و محل زیست قوم آکولی را «توسعه نیافتگی اجتماعی و اقتصادی در سطح ملی و فساد دولتی» معرفی می‌کند (Schomerus, 2007: 14 Quoted from: Finnstrom, 2003).

بی‌عدالتی یا ضعف در اجرای عدالت در قبال پیروان ادیان و برتری دادن یک قشر دینی در مقابل قشر دیگر اجتماعی، زمینه‌ساز منازعه میان پیروان ادیان بوده که در موارد ذکر شده آشکار است.

۴-۲-۶- عدم یا ضعف مشارکت پیروان اقلیت‌های دینی در ساختار قدرت و اداره امور کشور

در جمهوری آفریقای مرکزی یک دلیل منازعات سِلِکا و آنتی‌بالاکا، تلاش برای کسب قدرت است. با روی کار آمدن یک رهبر مسلمان در سال ۲۰۱۳ میلادی و تسلط سِلِکا بر دولت آفریقای مرکزی، روابط مسالمت‌آمیز مسیحیان و مسلمانان تضعیف شد. سِلِکا در واکنش به حملات شبه‌نظامیان مسیحی آنتی‌بالاکا اقدام به حمله به مسیحیان کرد (Arieff, 2014: 1). آنتی‌بالاکا، سِلِکا را عرب و خارجی می‌داند و هدف اصلی آن، فشار به مسلمانان برای خروج از کشور و از بین بردن آنها بود (Siradag, 2016: 90). اریک زالو[1] از رهبران آنتی‌بالاکا می‌گوید: «آنتی‌بالاکا گروهی منحصراً مسیحی و هدف ما آزادی مردم مسیحی از زیر سلطه مسلمانان است.» (Kane, 2014: 314).

در ارتباط با منازعات منجر به تقسیم سودان، جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) یک گروه سیاسی و شبه‌نظامی مسیحی شناخته می‌شود (Georgetown Uni-

1. Eric Zalo

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

versity, 2013: 13). ساکنان جنوب سودان احساس دخالت کم در روند سیاسی داشتند (Essien & Falola, 2009: 42). از سال ۱۹۵۶ میلادی به بعد، قدرت سیاسی در سودان به دست سیاستمداران مسلمان و عرب شمال افتاد. آنها در پی حاکمیت قوانین اسلامی در سودان بودند. در واکنش به این اقدامات، در سال ۱۹۸۳ میلادی، ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLA) در جنوب این کشور و با هدف استقلال جنوب از شمال تشکیل شد و اقدامات مسلحانه را علیه دولت مرکزی آغاز کرد (Georgetown University, 2013: 5-6).

در ارتباط با منازعات بنیادینی اقوام مسلمان و مسیحی در نیجریه، این کشور پس از استقلال، با رقابت و منازعات قومی و دینی اقوام شمال و جنوب برای کسب قدرت سیاسی و برتری بر یکدیگر خصوصاً از دهه ۱۹۹۰ میلادی روبرو شد. اقوام هوسا–فولانی مسلمان در شمال در رقابت و منازعه با قوم یوربا با دین مسیحیت در جنوب بودند. اقوام هوسا–فولانی تا اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی سلطه سیاسی داشتند. در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۳ میلادی، موشود آبیولا[1] از قوم یوروبا پیروز انتخابات ریاست جمهوری شد اما سیستم ریاست جمهوری توسط حکومت نظامی تحت کنترل اقوام شمال، ملغی شد. این مسئله سبب اقدامات ستیزه‌جویانه شبه‌نظامیان مسیحی جنوب علیه مسلمانان شمال شد. جنوبی‌ها خواستار پایان تسلط مسلمانان شمال بر کشور بودند. در سال ۱۹۹۴ میلادی، یوروبا از جنوب، حضور در کنفرانس تدوین قانون اساسی را تحریم و تهدید به خودمختاری جنوب کرد (Ebegbulem, 2011: 83).

یکی از ریشه‌های منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) در اوگاندا، عدم حضور قوم آکولی در عرصه سیاسی و قدرت است. حضور سیاسی مردم شمال اوگاندا (محل سکونت قوم آکولی) در سطح ملی، کم‌رنگ است (Schomerus, 2007: 14). ارتش مقاومت خدا (LRA) محصول نارضایتی شمال اوگاندا از سلطه سیاسی جنوب کشور است (Sage, 2011: 2). جایی که یک عامل مهم در کانون منازعات در محل زیست مردم آکولی «فقدان نمایندگی سیاسی از منطقه» است (Schomerus, 2007: 14 Quoted from: Finnstrom, 2003). در واقع، ریشه منازعات در شمال اوگاندا، مسئله قدرت و منابع است؛ بیگانگی طولانی‌مدت آکولی با قدرت و در حاشیه بودن منجر به شکل‌گیری و توسعه دیدگاهی خاص و جهان‌بینی از طریق تطبیق شرایط با یک باور سنتی و نظم ماورایی کیهان‌شناسی شد که سران ارتش مقاومت خدا

1. Moshood Abiola

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

(LRA) از آن برای جذب نیرو و اعمال خشونت استفاده می‌کنند (Jackson, 2010: 19).

در جوامع با تنوع دینی یا جوامعی که یک دین جمعیت قابل توجهی را به عنوان پیرو در اختیار دارد، حضور در ساختار قدرت از سوی پیروان ادیان مطالبه‌ای جدی است و در آفریقای مرکزی، نیجریه، اوگاندا و سودان عدم توجه به این مسئله سبب منازعه پیروان ادیان یا منازعه یک گروه دینی با دولت شده است.

۴-۲-۷- مداخله خارجی و حمایت برخی کشورها از گروه‌های دینی

یکی از علل ریشه‌ای منازعات بنیادینی مسلمانان و مسیحیان در اتیوپی، مداخله عربستان سعودی و نقش آن در ترویج تفکر افراطی وهابیت است. از سال ۱۹۹۱ میلادی، دو شاخه اسلام آفریقایی و اسلام تحت آموزه‌های وهابیت در اتیوپی رواج یافت. وهابیت خواستار تحریم مسیحیت در اتیوپی است (Karbo, 2013: 48). از زمان افزایش تبلیغات وهابیت در بخش‌های غیرمسلمان اتیوپی، مسلمانان و مسیحیان در غرب این کشور با یکدیگر درگیر شدند. در سال ۲۰۰۸ میلادی، در شهر دِس مسلمانان در تدارک حمله به مسیحیان بودند و مسیحیان نیز اقدام به تهیه و انباشت سلاح برای حمله به مسلمانان کردند. در نزدیکی جیما، شهر جنوبی اتیوپی درگیری مسلمانان و مسیحیان با ۱۹ کشته و سوخته شدن ۵ کلیسا و ۶۰۰ خانه به پایان رسید (Milkias, 2011:405). بسیاری از فعالیت‌های تبلیغی و زیربنایی برای احیا و گسترش اسلام فعلی در اتیوپی با کمک‌های مالی عربستان انجام می‌شود. حمایت‌های این کشور بیشتر در مناطق جنوبی اتیوپی و محل سکونت قوم اورومو و عمدتاً در اطراف شهر هارار متمرکز است (Erlich, 2006: 4). در آدیس آبابا، انجمن جوانان مسلمان اتیوپی با افزایش سرمایه‌گذاری‌های عربستان، تبدیل به مروجین تفکر وهابیت شدند (Stockmans, 2014: 48-49).

یکی از علل منازعات الاتحاد الاسلامی (AIAI) در شاخ آفریقا، پایبندی این گروه به تفکر وهابیت نشأت گرفته از عربستان است. پایه‌گذاران الاتحاد الاسلامی (AIAI)، عمدتاً مردان جوان تحصیل‌کرده شاغل یا دانش‌آموخته خاورمیانه بودند. به اعتقاد این گروه، تنها راه رهایی از فساد، سرکوب و قبیله‌گرایی در سومالی، عملی شدن اسلام سیاسی است (Menkhaus, 2005: 35) در سال ۱۹۹۱، الاتحاد الاسلامی (AIAI) با افکار سنت‌گرای اسلامی (سلفی) و وهابیت فعال شد. این تفکر مربوط به عربستان است و بیشتر مردم سومالی تفکر این گروه را «ایدئولوژی وارداتی» می‌دانند (International Crisis Group (ICG), 2002: 16).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

در سودان، یکی از علل کمک کننده در تداوم منازعات جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) علیه دولت برای استقلال جنوب، حمایت‌های اوگاندا از این گروه بود. اوگاندا از سال ۱۹۹۱ به بعد مهمترین حامی جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) در بعد نظامی بود (Berghof Foundation For Peace Support, 2006: 68). دلیل تنش در روابط سودان و اوگاندا در دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز این حمایت‌ها بود (LaVerle, 2015: 284). از سوی دیگر، به دلیل نوع جهت‌گیری سیاست خارجی دولت سودان به رهبری عمر البشیر که در تقابل با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا، اسرائیل و برخی همسایگان سودان قرار داشت، آن‌ها به عنوان بازیگران خارجی در پی تضعیف دولت مرکزی سودان بوده و با حمایت از شورشیان جنوب این کشور به آن‌ها در روند استقلال و جدایی از دولت مرکزی کمک کردند. مواضع و نقش بازیگران منطقه‌ای مانند اسرائیل و همسایگان سودان مانند مصر و لیبی یا همسایگان جنوبی در همراهی با مواضع و نقش آمریکا قرار داشت؛ همسایگان سودان به دلایلی مانند رقابت‌های منطقه‌ای با سودان، اختلاف نظرهای سیاسی □ امنیتی و یا مشکلات قومی و مرزی، در پی تضعیف دولت مرکزی سودان و کمک به شورشیان بودند و اسرائیل نیز با ارائه کمک‌های مالی و اطلاعاتی به شورشیان جنوب در پی کسب حوزه نفوذ در این کشور بوده و با همراهی آمریکا در روند استقلال جنوب سودان از دولت مرکزی این کشور، نقش‌آفرینی کردند (حاتمی و زرگری، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۹).

در نیجریه یکی از علل منازعات اقوام مسلمان و مسیحی، «جایگزین شدن اسلام افراطی نشأت گرفته از خاورمیانه با تفکر سوسیالیسم شوروی» در نیجریه است (Nwankwo, 2015: 298). فعالیت‌های بوکوحرام، ارتباط تنگاتنگی با ترویج ایدئولوژی اسلام رادیکال در قالب اقدامات روحانیون فرقه تبلیغی پاکستان و مبلغان وهابی عربستان دارد (Solomon, 2015: 90). ریشه تشکیل این گروه به سال ۱۹۹۵ و شکل‌گیری جنبش صحابه[1] به رهبری ابوبکر لاوان[2] مربوط می‌شود که در زمان تحصیل در دانشگاه مدینه در عربستان هدایت گروه را به محمد یوسف واگذار کرد و یوسف نیز در سال ۲۰۰۲ با سازماندهی مجدد این جنبش، نام آن را به بوکوحرام تغییر داد (Adewunmi Falode, 2016: 43).

در سومالی، گروه الشباب در اصل از بقایای گروه الاتحاد الاسلامی (AIAI)، سازمان

1. Sahaba
2. Abubakar Lawan

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

تروریستی اسلام‌گرای وهابی است (Agbiboa, 2014: 27). اندیشه تشکیل الشباب الهام گرفته از تفکر پژوهشگران اسلامی سومالی آموزش دیده در عربستان به عنوان پیروان وهابیت است (Ali, 2008: 1).

در ارتباط با منازعات اتحاد محاکم اسلامی (ICU) نیز جناح‌های شبه‌نظامی آن علیه مسیحیان اتیوپایی اعلام جهاد کردند و اریتره حامی اصلی این گروه‌ها در سومالی بود که منابع مالی و تجهیزات را در اختیار آنها قرار می‌داد (Eichstaedt, 2010: 46).

در اوگاندا، سودان در مقابل حمایت‌های اوگاندا از جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A)، ارتش مقاومت خدا (LRA) را علیه اوگاندا حمایت کرد (Berghof Foundation For Peace Support, 2006: 68). دلیل تنش در روابط سودان و اوگاندا در دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز حمایت متقابل سودان از گروه‌های شورشی در اوگاندا خصوصاً ارتش مقاومت خدا (LRA) با هدف براندازی حکومت این کشور بود (LaVerle, 2015: 284).

وجود نارضایتی در یک کشور، سبب ایجاد فرصت برای بازیگران رسمی و غیررسمی در افزایش نفوذ و ضربه به آن کشور می‌شود. در موارد ذکر شده این موضوع به وضوح دیده می‌شود و در پشت صحنه هر منازعه بنیادینی و مذهبی، یک بازیگر خارجی حامی گروه‌های دینی یا پیروان ادیان که معترض هستند، دیده می‌شود.

۴-۲-۸- اعتقادات سنتی و ناسیونالیسم قومی

در سومالی، اتحاد محاکم اسلامی (ICU) یکی از اهداف سیاسی آرمانی خود را «اتحاد همه سومالیایی‌ها در شاخ آفریقا» اعلام کرد (Abbink, 2009: 102). از نظر ریشه‌ای، این گروه بخشی از قدرت قبیله‌ای در موگادیشو بود؛ قبایل هاوایه را در خدمت داشت و مورد حمایت طبقه تجار هاوایه در موگادیشو برای فراهم کردن امنیت بود (Barnes & Hassan, 2007: 152). در واقع، قبیله حاکم در اتحاد محاکم اسلامی (ICU) در سومالی، هاوایه/ هابر جیدیر[1] بودند (Abbink, 2009: 98).

گروه الشباب در سومالی، علاوه بر تفکر ایدئولوژیک و دینی، خود را یک دولت می‌بیند که منعکس کننده ریشه‌های آن در قالب ناسیونالسیم قومی وابسته به قوم سومالی در رؤیای تأسیس کشور «سومالی بزرگ» است (Africa Center for Strategic Studies, November 20, 2015).

1. Habr-Gidir

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

در اوگاندا، نمودهای اعتقادات معنوی و اعمال ارتش مقاومت خدا (LRA) ریشه در عناصر دینی دارد که طی مدت طولانی در جامعه آکولی ظاهر شده است (Mergelsberg, 2010: 159-160). تأسیس این گروه حاصل اندیشه رهبران مسیحی به ویژه در ترکیب با جهان‌بینی کیهان شناختی سنتی قوم آکولی است (Sage, 2011: 2). از نظر ایدئولوژیکی و تاکتیکی، ظهور جنبش روح القدس (HSM) به رهبری آلیس لاوکِنا[1] در اوگاندا نشان دهنده تغییر مسیر شورشیان این کشور بود. اعتقاد بر این بود که لاوکِنا روح یک ایتالیایی است که در جنگ جهانی اول فوت کرد و این روح در ۲۵ مه ۱۹۸۵ میلادی در تصرف زنی به نام آلیس قرار گرفت (Jackson, 2010: 11). جنبش روح القدس (HSM) تلاش کرد تا بحران‌های داخلی جامعه آکولی را با واسطه کردن روح آکولی، آلیس اوما[2] معروف به لاوکِنا یا «پیامبر» هدایت و از طریق قدرت معنوی خود علیه دشمن خارجی مشترک برطرف کند (Branch, 2010: 36). اکثر مردم آکولی اعتقاد داشتند که این قوم در معرض نابودی است و تنها با یک نیروی ماورایی، می‌تواند زنده بماند. اعتقاد به این تفکر، زمینه گرایش به تشکیل ارتش مقاومت خدا (LRA) در سال‌های بعد شد (Jackson, 2010: 11). مردم آکولی خود را قربانیان دولت اوگاندا از طریق در حاشیه اجتماعی–اقتصادی و سیاسی بودن می‌دانند که در «عذاب دائمی» قرار دارند. این باور، گرایش به خشونت برای از بین بردن شر و پاک کردن قوم آکولی جهت نجات خود را ضروری می‌دانست (Ibid: 17).

هر چند شاید در ظاهر ارتباط دادن ناسیونالیسم قومی و اعتقادات سنتی به منازعه بنیادینی، مورد پذیرش نباشد اما در سومالی و اوگاندا این مؤلفه یک ریشه مهم در وقوع منازعات بنیادینی و مذهبی بوده است.

۴-۲-۹- رخدادها و ذهنیت تاریخی

در گذشته در اتیوپی، پادشاهی مسیحی محدود به مناطق مرتفع شمالی و اسلام در حال گسترش در بخش‌های جنوب شرقی امروزی اتیوپی بود. در قرن سیزدهم تماس پیروان دو دین با یک الگوی متعارض افزایش یافت. روابط خصومت‌آمیز دو طرف در سال ۱۵۲۹ میلادی با پیروزی امام احمِد بن ابراهیم الغازی به اوج رسید. این پیروزی سبب شد مسلمانان تا عمق مناطق مرتفع شمالی و شکست مسیحیان پیش بروند اما با کشته شدن امام احمِد بن

1. Alice Lawkena
2. Alice Auma

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

ابراهیم الغازی در سال ۱۵۴۲ میلادی، انسجام نیروهای مسلمان از هم پاشید و زمینه برای تسلط سیاسی مسیحیان بر اتیوپی فراهم شد. نگرش تحقیرآمیز و ترس مشخصی از مسلمانان در میان مسیحیان شکل گرفت و اسلام تهدید بالقوه خارجی تلقی شد (Østebø, 2013: 1035). امپراتور یوهانس چهارم مسلمانان را تحمل نمی‌کرد و هرگز فرصت نداد تا ملی‌گرایی اتیوپی خود را احساس کنند (Karbo, 2013: 48). خط شکاف دینی در جامعه اتیوپی بعداً با این عبارت متبلور شده که این کشور «جزیره‌ای در دریایی از مسلمانان و پاگان‌ها (افراد معتقد به ادیان غیرابراهیمی یا ادیان قبیله‌ای)» است (Østebø, 2013: 1036).

در جمهوری آفریقای مرکزی، یک ریشه دیگر تنش‌های دینی سِلِکا و آنتی‌بالاکا، تاریخی است. رابطه مسلمانان و غیرمسلمانان آفریقای مرکزی پیش از استعمار، پایه بحران سیاسی و دینی کنونی این کشور است (Kam Kah, 2014: 37). ریشه‌های عمیق تاریخی و جامعه شناختی از بی‌اعتمادی میان جوامع جمهوری آفریقای مرکزی وجود دارد که ناشی از شکست ساختار اقتصادی اصلی این کشور اولین‌بار به وسیله تجارت برده و سپس به وسیله استعمار است (Deiros, 2014: 4). یک عامل منازعات سیاسی- دینی آنتی‌بالاکا و سِلِکا نیز تاریخ برده‌داری در جمهوری آفریقای مرکزی است؛ زمانی که مسلمانان جوامع غیرمسلمان را به بردگی می‌گرفتند (Kam Kah, 2014: 44).

بخشی از مهمترین علل مستقیم منازعات شمال و جنوب سودان و تقسیم این سرزمین، به «تاریخ خشونت و برده‌داری علیه جنوب در جریان یکپارچه‌سازی این منطقه در درون سیستم مدیریتی سودان در دوران پادشاهی عثمانی و مصر؛ «سیاست جنوبی» بریتانیا و حاکمیت نژادپرستی که باعث تثبیت و تحمیل نگرش‌های فردی و نهادی از شمال به سمت جنوب بود»، مربوط می‌شود (Sidahmed & Sidahmed, 2005: 137).

در شمال نیجریه، یکی از ریشه‌های منازعات قومی- دینی و خشونت‌ها، به دوران پیش از استعمار بر می‌گردد. تجلی آن در پادشاهی‌هایی مانند پادشاهی کوروروفا[1]، امارت کانو، خلافت سوکوتو و امپراتوری کانم بورنو بود که بارها جوامع همسایه یا گروه‌های اقلیت قومی را به اطاعت از خود درآوردند. اسلامی کردن بیشتر بخش‌های شمال نیجریه و برخی بخش‌های جنوب با به راه افتادن جنگ‌های مقدس انجام شد (Alhaji-shehu, 2012: 24).

1. Kororofa

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

رخدادها و ذهنیت تاریخی به دلیل اثرگذاری در منازعات بنیادینی و مذهبی در چند کشور از مؤلفه‌های مهم در وقوع این نوع منازعه بوده که نمودی متفاوت در هر یک از کشورهای مذکور داشته است.

۵- تجزیه و تحلیل

در ارتباط با ریشه‌های ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی، هر چند ممکن است منازعات و جنگ‌ها تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیکی یا حتی سیاسی اتفاق بیافتد ولی اکثریت قریب به اتفاق آنها منشاء جغرافیایی داشته و ریشه در تلقی طرفین منازعه و جنگ از منفعت ملی و ارزش جغرافیایی دارد. با کالبد شکافی و تحلیل عوامل ایدئولوژیک و سیاسی جنگ مشخص می‌شود که این نوع عوامل مستقیم یا غیرمستقیم از ماهیت ژئوپلیتیکی نظیر انگیزه‌های توسعه حوزه نفوذ فکری و عقیدتی، مشارکت در ائتلاف بین‌المللی، دفاع از حقوق گروه‌های دارای تجانس ساختاری، دفاع از اماکن مذهبی و هویتی و... برخوردارند (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

در کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا، متغیر «قلمروخواهی و قلمروگستری پیروان ادیان و تلاش برای تأسیس کشور و حکومت دینی» در منازعات بنیادینی و مذهبی در ۵ کشور و ۷ مورد موثر بوده است. می‌توان ادعا کرد که در بطن منازعات بنیادینی و مذهبی این منطقه، قلمروخواهی و قلمروگستری پیروان ادیان و مذاهب وجود دارد و یک علت ریشه‌ای اصلی منازعات است. این متغیر ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد؛ پیروان ادیان با دفاع از محدوده مکانی زیست خود، درصدد حفظ و دفاع از مکان‌های دینی و مقدس، ترویج اندیشه خود در فضاهای زیستی ادیان دیگر یا به عبارتی قلمروگستری، مبارزه برای کسب قدرت و تأسیس کشور و حکومت در فضای سرزمینی با مردم پیرو دینی واحد هستند. یکی از علل منازعات مسلمانان و مسیحیان اتیوپی، تلاش برای قلمروخواهی و قلمروگستری و حفظ و دفاع از مکان‌های مقدس از جمله مساجد و کلیساهاست. در سودان یک دلیل اصلی منازعات شمال مسلمان و جنوب مسیحی، تقسیم این سرزمین و تأسیس کشوری مستقل در جنوب سودان (محل سکونت اکثریت مسیحیان) بود. در نیجریه یکی از دلایل منازعات بوکوحرام، تلاش برای تبدیل نیجریه به کشوری با حکومت مسلمان وهابیت است. در غرب و شمال ساحل عاج، بخشی از عوامل منازعه گروه‌های قومی و دینی مشاجره بر سر مکان‌های مذهبی است.

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

در سومالی و شاخ آفریقا، هدف گروه الاتحاد الاسلامی (AIAI) تأسیس کشور و حکومت اسلامی با حضور قوم سومالی اعلام شد. در این کشور، گروه اتحاد محاکم اسلامی (ICU) در کوتاه‌مدت در پی تشکیل حکومت اسلامی براساس قانون شریعت و در درازمدت، تشکیل حکومت اسلامی بزرگ در شرق آفریقا بوده است. یک علت منازعات گروه الشباب نیز تلاش برای تأسیس امارت اسلامی در سومالی و همچنین در سراسر مناطق محل سکونت قوم سومالی در شاخ آفریقاست. در اوگاندا، یک علت مهم منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA)، تلاش برای تأسیس کشور و حکومت مسیحی است.

متغیر «دفاع از هویت و ارزش‌های دینی» در وقوع منازعات ۲ کشور و ۲ منازعه موثر بوده است. یکی از عناصر هویتی افراد و گروه‌های اجتماعی، دین و مذهب است. افراد با احساس تعلق به این مؤلفه و ارزش‌های آن، به عوامل تهدیدکننده اعتقادات خود واکنش منفی نشان می‌دهند. تلاش‌های قلمروگسترانه برای تسخیر فضاهای جغرافیایی از طریق هجمه به ارزش‌های هویتی و دینی و همگون‌سازی هویتی، با واکنش قلمروخواهانه جریان مقابل مواجه و منجر به منازعه می‌شود. در این فرآیند، «جغرافیا» در قالب فضا و مکان‌های هویت‌آفرین؛ «قدرت» در قالب رقابت برای اعمال سلطه و افزایش حوزه نفوذ از سوی پیروان ادیان؛ و «سیاست» در چارچوب اقدامات دولت‌ها برای مقابله با گسترش ارزش‌های برخی ادیان خاص یا ورود به عنوان میانجی حل منازعه، نقش‌آفرین بوده و منازعه ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد. در اتیوپی، یک علت منازعات مسیحیان و مسلمانان، زیر سوال رفتن هویت و ارزش‌های دینی از سوی پیروان هر دو دین و تلاش برای دفاع از آنهاست. در سودان از عوامل منازعات جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) با دولت مرکزی و تقسیم این کشور، تفاوت‌های هویتی مردم شمال و جنوب است.

متغیر «اجرای سیاست‌های استعماری مرتبط با پیروان ادیان» عاملی مهم در منازعات در ۵ کشور و ۶ منازعه است. سیاست‌های استعماری قدرت‌های اروپایی با هدف قلمروگستری، افزایش حوزه نفوذ و بهره‌برداری از منابع باارزش این کشورها، ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد. در جمهوری آفریقای مرکزی، بخشی از علل منازعات سِلِکا مسلمان و آنتی‌بالاکا عمدتاً مسیحی، اقدامات استعماری در ارتباط با حمایت از قوم گله‌دار و مسلمان فولانی و متهم شدن این گروه به تصرف زمین‌های سایر اقوام و برجای ماندن تصویری بد از مسلمانان در ذهن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

سایرین است. در سودان، بخشی از علل منازعات منجر به تقسیم آن به دو کشور سودان مسلمان و سودان جنوبی عمدتاً مسیحی، اقدامات استعماری در ایجاد مرزهای تحمیلی و در حاشیه قرار گرفتن مردم غیرمسلمان جنوب و حاکمیت عرب‌های مسلمان بر کشور دارد. در نیجریه بخشی از علل منازعات بینادینی اقوام مسلمان و مسیحی، استفاده ابزاری بریتانیا از دین اسلام در قالب سیاست استعماری است. در سومالی یکی از علل منازعات اتحاد محاکم اسلامی (ICU) و الشباب دفاع از قوم مسلمان سومالی به دلیل تقسیم مردم آن توسط قدرت‌های استعماری است. بخشی از عوامل منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) در اوگاندا ریشه در اقدامات استعماری بریتانیا با در حاشیه قرار دادن مردم شمال این کشور دارد.

متغیر «سیاست‌های حکومتی ناقض حقوق دینی شهروندان» در منازعات در ۲ کشور و ۳ منازعه نقش‌آفرین بوده است. این متغیر ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد و می‌توان آن را با عنوان ناحیه‌گرایی مذهبی و قرار دادن پیروان یک دین یا مذهب در حاشیه، تحلیل کرد. برخی حکومت‌ها که با واگرایی‌های دینی بخشی از ملت روبرو هستند، اقدام به در حاشیه قرار دادن آنها و فضای جغرافیای محل سکونت‌شان می‌کنند تا بتوانند آنها را تضعیف و کنترل کنند. پیروان این ادیان نیز با احساس تبعیض حکومت نسبت به خود، در مبارزه برای احقاق حقوق و احتمالاً برخورداری از فضا، قلمرو و قدرت، وارد منازعه می‌شوند. در شرق سودان، اکثریت مردم پیرو اسلام صوفی دولت را ناقض حقوق خود و در تلاش برای تضعیف آنها می‌دانند. در منازعات منجر به تقسیم سودان، تدوین قانون اساسی بر مبنای شریعت اسلامی یکی از علل منازعات مردم غیرمسلمان جنوب برای جدایی از سودان و تشکیل کشور مستقل بود. در منازعات مسلمانان و مسیحیان نیجریه، مردم مسیحی خصوصاً در جنوب از تحمیل قانون شریعت اسلامی و ادامه تسلط سیاسی اقوام مسلمان شمال بر کشور ناراضی بودند.

متغیر «عدم برقراری عدالت فضایی برای شهروندان و پیروان ادیان» یکی از علل منازعات در ۴ کشور و ۴ منازعه است. مسئول اصلی در برقراری عدالت در فضای سرزمینی و مدیریت بهینه کشور، دولت است که قدرت را در اختیار داشته و می‌تواند با سیاست‌ها و برنامه‌های خود، کشور را مدیریت کنند. بنابراین برآیند عملکرد آن، ماهیتی ژئوپلیتیکی دارد. در برخی کشورهای کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا، عدالت فضایی برای شهروندان و پیروان برخی ادیان خاص وجود ندارد و از روند حاکم ناراضی هستند، این مسئله زمینه‌ساز منازعات

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

است. در شمال جمهوری آفریقای مرکزی با جمعیت اکثریت مسلمان، یکی از ریشه‌های منازعات سِلِکا علیه دولت و آنتی‌بالاکا، در حاشیه قرار گرفتن این منطقه است. بخشی از دلایل منازعات شمال مسلمان و جنوب مسیحی سودان به توسعه نابرابر دو منطقه و توجه کم دولت به غیرمسلمانان در جنوب مربوط می‌شود. در نیجریه یکی از دلایل منازعات بوکوحرام با دولت، نابرابری در توسعه و محروم بودن بخشی از مردم از امکانات است. در اوگاندا یکی از ریشه‌های منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) که اعضای آن عمدتاً از مردم آکولی هستند، به حاشیه رانده شده این قوم و محروم ماندن از فرآیند توسعه توسط حکومت عنوان می‌شود.

نقش متغیر «عدم یا ضعف مشارکت پیروان اقلیت‌های دینی در ساختار قدرت و اداره امور کشور» در منازعات بنیادینی و مذهبی ۴ کشور و ۴ مورد بارز بوده است. در برخی کشورهای آفریقایی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی، پیروان ادیان اسلام، مسیحیت و آیین‌های محلی آفریقایی معمولاً مطالبه حضور در قدرت و مشارکت در اداره کشور را دارند. در کشورهایی که پیروان برخی ادیان در حاشیه قرار گرفته‌اند و در اداره امور تأثیر ندارند، رقابت‌ها برای کسب قدرت و تسلط بر دولت و اعمال حاکمیت بر فضای جغرافیایی پر رنگ است و در صورتی که پیروان یک دین بر دولت مسلط شوند، معمولاً امور کشور را با حضور کم‌رنگ یا بدون حضور پیروان ادیان دیگر در دولت اداره می‌کند. چنین شرایطی، زمینه را برای منازعات بنیادینی و مذهبی و تلاش‌ها را برای شکست دولت مسلط و کنترل فضای کشور افزایش می‌دهد. این مسئله به دلیل رقابت‌های پیروان ادیان برای قرارگیری در مناصب حکومتی و دولتی و در اختیار گرفتن قدرت سیاسی و مسلط شدن بر فضای سرزمینی، از ماهیتی ژئوپلیتیکی برخوردار است. در جمهوری آفریقای مرکزی یک دلیل منازعات سِلِکا مسلمان و آنتی‌بالاکا عمدتاً مسیحی، تلاش برای کسب قدرت و خارج کردن کنترل دولت از دست سِلِکا است. در سودان بخشی از علل منازعات شمال و جنوب و تقسیم این کشور، نارضایتی غیرمسلمانان جنوب از حضور محدود در مناصب حکومتی و مشارکت در اداره امور سودان بود. در نیجریه، یکی از علل منازعات بنیادینی اقوام مسلمان و مسیحی، رقابت اقوام هوسا–فولانی مسلمان در شمال با قوم مسیحی یوربا در جنوب برای کسب قدرت سیاسی بوده است. در اوگاندا بخشی از دلایل منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA)، عدم مشارکت یا مشارکت محدود قوم آکولی در صحنه سیاسی و اجرایی کشور است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

متغیر «مداخله خارجی و حمایت برخی کشورها از گروه‌های دینی» از علل وقوع منازعات در ۵ کشور و ۹ منازعه است. تلاش کشورها برای افزایش نفوذ، توسعه قلمرو و همچنین مقابله با قلمروگستری دیگر کشورها در قالب مفاهیم کد ژئوپلیتیکی، تعلق ژئوپلیتیکی، چالش ژئوپلیتیکی و وابستگی ژئوپلیتیکی با ترکیب رابطه متقابل قدرت، سیاست و جغرافیا معنا پیدا می‌کنند. در برخی کشورهای کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا، در منازعات بنیادینی و مذهبی، مداخله خارجی از طریق ترویج اندیشه‌های دینی برخی کشورها یا حمایت خارجی از گروه‌های دینی مخالف حکومت، دیده می‌شود. یکی از علل منازعات بنیادینی مسلمانان و مسیحیان در اتیوپی، منازعات گروه الاتحاد الاسلامی (AIAI) در شاخ آفریقا، منازعات اقوام مسلمان و مسیحی و گروه بوکوحرام در نیجریه و منازعات الشباب در سومالی، مداخله عربستان و نقش آن در ترویج تفکر افراطی وهابیت است که در چارچوب قلمروگستری، کد ژئوپلیتیکی، تعلق ژئوپلیتیکی و وابستگی ژئوپلیتیکی قابل تبیین است. در سودان، یک علت تداوم منازعات جنبش/ ارتش آزادی‌بخش مردم سودان (SPLM/A) علیه دولت برای استقلال جنوب، حمایت‌های اوگاندا از این گروه بود که در قالب مفاهیم قلمروگستری، قلمروخواهی، کد ژئوپلیتیکی و چالش ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد. بخشی از علل منازعات اتحاد محاکم اسلامی (ICU) سومالی با مسیحیان اتیوپایی، حمایت‌های اریتره از این گروه بود که در بر دارنده مفاهیم قلمروگستری، قلمروخواهی، کد ژئوپلیتیکی و چالش ژئوپلیتیکی است. در اوگاندا، یکی از عوامل موثر در منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) علیه دولت، حمایت‌های سودان از این گروه است که در چارچوب مفاهیم قلمروگستری، قلمروخواهی، کد ژئوپلیتیکی و چالش ژئوپلیتیکی قابل تبیین است.

متغیر «اعتقادات سنتی و ناسیونالیسم قومی» در منازعات بنیادینی و مذهبی در ۲ کشور و ۳ مورد منازعات اتحاد محاکم اسلامی (ICU) و منازعات گروه الشباب در سومالی و منازعات ارتش مقاومت خدا (LRA) در اوگاندا نقش داشته است. در برخی کشورهای کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی، پایبندی گروه‌های دینی و مذهبی به اعتقادات سنتی و تعصبات ناسیونالیستی قومی، بخشی از علل منازعات بنیادینی و مذهبی است که ماهیتی ژئوپلیتیکی دارند. به این معنا که یک گروه دینی در کنار تأکید بر مؤلفه دین به عنوان ابزار معرفی خود، بخش دیگری از هویت را وابسته به مکان و فضای جغرافیایی و تعلق به گروه قومی خود می‌داند و در کنار

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

داشتن تعصب نسبت به دین، به تعلقات مکانی و قومی نیز اهمیت می‌دهد. در چنین شرایطی، در دفاع از ارزش‌های هویتی اقدام به تلاش و رقابت برای کسب قدرت، قلمروخواهی و قلمروگستری می‌کند. در سومالی اتحاد محاکم اسلامی (ICU) یکی از اهداف سیاسی آرمانی خود را اتحاد همه مردم قوم مسلمان سومالی در شاخ آفریقا و تلاش برای قرارگیری آنها در یک فضای سرزمین واحد می‌داند. گروه الشباب نیز یکی از اهداف خود را تأسیس کشور «سومالی بزرگ» با حضور قوم سومالی معرفی کرده است. در اوگاندا، یک علت شکل‌گیری ارتش مقاومت خدا (LRA) و منازعات آن، اعتقادات سنتی یا جهان‌بینی کیهان شناختی قوم آکولی است که مردم این قوم را برای مبارزه با دولت برای «نجات» خود مجاب می‌کند.

متغیر «رخدادها و ذهنیت تاریخی» از دلایل منازعات بینادینی و مذهبی در ۴ کشور و ۴ مورد منازعات مسلمانان و مسیحیان اتیوپی؛ منازعات شمال و جنوب برای تقسیم سودان؛ منازعات سِلکا و آنتی بالاکا در جمهوری آفریقای مرکزی؛ و منازعات اقوام مسلمان و مسیحی در شمال نیجریه است. منظور از این متغیر، ذهنیت تاریخی بر جای مانده از رخدادی با ماهیت ژئوپلیتیکی است. در اتیوپی یکی از دلایل منازعات بینادینی مسلمانان و مسیحیان، شکل‌گیری نگرش تحقیرآمیز و ترس از مسلمانان در میان مسیحیان بر اثر تنش‌های قرن‌های گذشته میان پیروان این ادیان است. در جمهوری آفریقای مرکزی، بخشی از علل منازعات بینادینی گروه‌های سِلکا مسلمان و آنتی‌بالاکا مسیحی ریشه در تاریخ این کشور و بی‌اعتمادی میان پیروان این ادیان دارد. در سودان یک علت منازعات شمال و جنوب و تقسیم آن، مربوط به تاریخ خشونت و برده‌داری علیه جنوب در جریان یکپارچه‌سازی این منطقه در درون سیستم مدیریتی سودان است. در شمال نیجریه، یکی از ریشه‌های منازعات قومی- دینی به دوران پیش از استعمار و اقدام پادشاهی‌ها برای تحمیل دین خود بر مردم بر می‌گردد.

جدول ۱: میزان نقش متغیرها در منازعات بینادینی و مذهبی

متغیرها	کشور	تعداد موارد منازعه
قلمروخواهی و قلمروگستری پیروان ادیان و تلاش برای تأسیس کشور و حکومت دینی	۵	۷
دفاع از هویت و ارزش‌های دینی	۲	۲
اجرای سیاست‌های استعماری مرتبط با پیروان ادیان	۵	۶
سیاست‌های حکومتی ناقض حقوق دینی شهروندان	۲	۳

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

عدم برقراری عدالت فضایی برای شهروندان و پیروان ادیان	۴	۴
عدم یا ضعف مشارکت پیروان اقلیت‌های دینی در ساختار قدرت و اداره امور کشور	۴	۴
مداخله خارجی و حمایت برخی کشورها از گروه‌های دینی	۵	۹
اعتقادات سنتی و ناسیونالیسم قومی	۲	۳
رخدادها و ذهنیت تاریخی	۴	۴

منبع: نگارندگان

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

۶- نتیجه‌گیری

منازعات بنیادینی و مذهبی در کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا شامل دو دسته منازعات گروه‌های دینی خصوصاً اسلامی و مسیحی با یکدیگر و منازعات گروه‌های شورشی افراط‌گرای مذهبی با دولت‌ها برای تأسیس کشور و حکومت است. از ۲۹ کشور این منطقه، ۲۱ کشور درگیر در انواع منازعات است که در ۷ کشور سومالی، اتیوپی، سودان، اوگاندا، جمهوری آفریقای مرکزی، نیجریه و ساحل عاج ۱۰ مورد منازعات بنیادینی و مذهبی رخ داده و در جریان است. تحلیل مصادیق این منازعات نشان می‌دهد که علل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که برای وقوع منازعات ذکر می‌شود، تحلیل عمیقی از موضوع نیست و نگاه ریشه‌ای به علل منازعات بیانگر نقش ژئوپلیتیک با تأثیرگذاری متقابل عناصر جغرافیا، سیاست و قدرت در وقوع آنهاست. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهمترین علل ریشه‌ای ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی در کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا به ترتیب میزان اثرگذاری عبارتند از:

۱. مداخله خارجی و حمایت برخی کشورها از گروه‌های دینی؛

۲. قلمروخواهی و قلمروگستری پیروان ادیان و تلاش برای تأسیس کشور و حکومت دینی؛

۳. اجرای سیاست‌های استعماری مرتبط با پیروان ادیان؛

۴. عدم برقراری عدالت فضایی برای شهروندان و پیروان ادیان؛

۵. عدم یا ضعف مشارکت پیروان اقلیت‌های دینی در ساختار قدرت و اداره امور کشور؛

۶. رخدادها و ذهنیت تاریخی؛

۷. سیاست‌های حکومتی ناقض حقوق دینی شهروندان؛

۸. اعتقادات سنتی و ناسیونالیسم قومی؛

۹. دفاع از هویت و ارزش‌های دینی.

هر یک از این علل ریشه‌ای با ماهیت ژئوپلیتیکی یا ترکیبی از آنها، می‌تواند ریشه منازعات بنیادینی و مذهبی در سایر مکان‌ها و مناطق جغرافیایی باشد. لذا به دلیل برخورداری آنها از ویژگی جامعیت، تکرارپذیری و قابلیت تعمیم، نتیجه نهایی پژوهش تولید نظریه عمومی با عنوان «نظریه ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی» است که قابل تعمیم به ریشه‌های منازعات بنیادینی و مذهبی در سایر نقاط جهان است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

مدل ۱: نظریه ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی

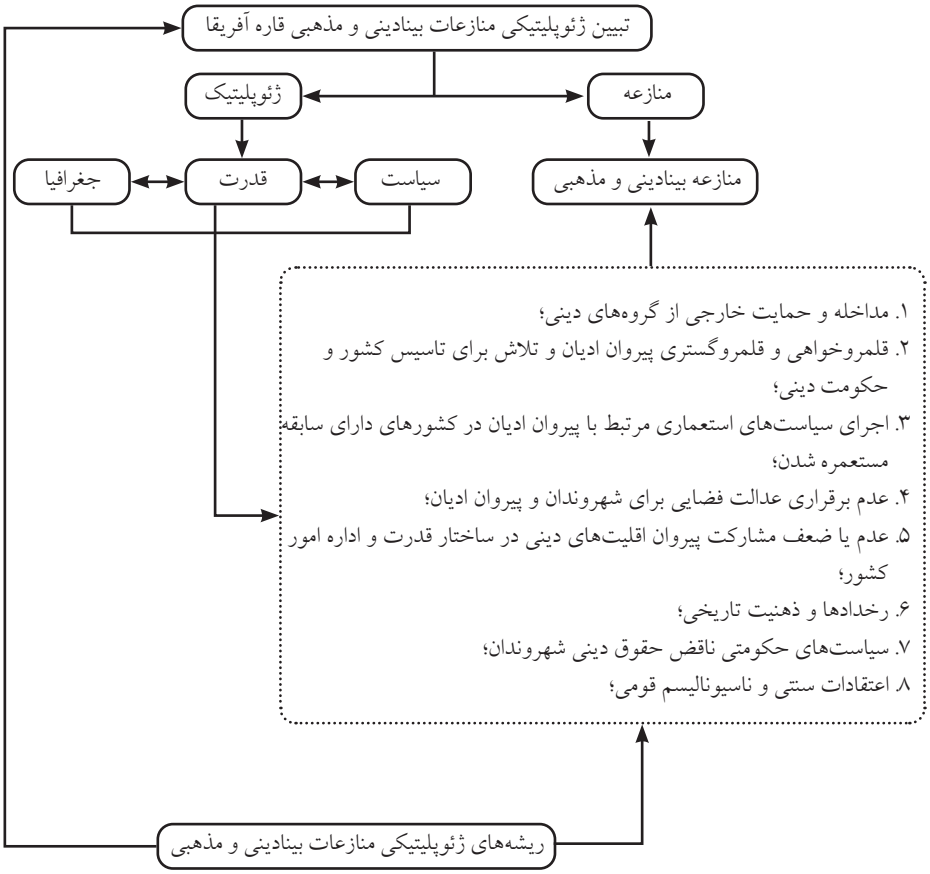

منبع: نگارندگان

با در نظر گرفتن محتوای «نظریه ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی»، کشورهای با تنوع دینی و مذهبی، ضرورت دارد تا راهکارهایی را برای پیشگیری و جلوگیری از وقوع این نوع منازعه به کار گیرند که مهمترین پیشنهادها به شرح ذیل است:

۱. تدوین یا اصلاح قانون اساسی با در نظر گرفتن تنوع دینی و مذهبی موجود در کشورها و رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی؛

۲. برقراری عدالت فضایی و توزیع امکانات و خدمات اقتصادی، فرهنگی، علمی، آموزشی، اجتماعی و... به صورت عادلانه در سطح کشور و برای همه شهروندان از هر دین و مذهب؛

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

۳. ایجاد فرصت‌های عادلانه برای حضور نخبگان از هر دین و مذهبی در قدرت و ساختار سیاسی کشور؛

۴. توجه و احترام حکومت‌ها و دولت‌ها به مؤلفه‌های هویتی و ارزش‌های دینی در اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها؛

۵. تلاش برای از بین بردن ذهنیت‌های منفی تاریخی و بی‌اعتمادی شهروندان برخی اقلیت‌های دینی با انجام اقدامات عملی و راهکارهای اعتمادساز؛

۶. تقویت احساس و تعصب ملی میان شهروندان از هر دین و مذهب به عنوان مؤلفه‌ای وحدت آفرین.

۷- قدردانی

نگارندگان لازم می‌دانند از حمایت‌های دانشگاه تربیت مدرس کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

۸- منابع و مأخذ

۸-۱- منابع فارسی

۱. پیشگاهی‌فرد زهرا و عالم ریحانه (۱۳۹۲)، مناقشات منطقه شاخ آفریقا، ماهیت و ریشه‌ها، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۱، شماره ۲۰، بهار و تابستان. ۱۶۱-۱۳۳

۲. جکسون رابرت و سورنسون گئورگ (۱۳۸۳)؛ درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: میزان.

۳. حاتمی محمدرضا و زرگری هادی (۱۳۹۱)، نقش عوامل خارجی موثر در جدایی و استقلال جنوب سودان، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۳، پاییز. ۱۴۱-۱۱۳

۴. حافظ‌نیا محمدرضا (۱۳۸۴)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.

۵. دهشیری محمدرضا و فیاضی سید احمدرضا (۱۳۹۶)، بررسی نقش استعمار در شکل‌گیری گروه بوکوحرام از منظر نظریه محرومیت نسبی تدرابرت‌گر، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان. ۳۱-۱

۶. راس بروس و استار هاروی (۱۳۸۱)؛ سیاست جهانی؛ محدودیتها و فرصتهای انتخاب، ترجمه علی امیدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

۷. محقر احمد، اکبری سارا، جزایی محدثه و شهریاری ابوالقاسم (۱۳۹۲)، تأملی جامعه‌شناختی بر بسترهای شکل‌گیری و رشد افراطی‌گرایی اسلامی در نیجریه، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره چهارم، زمستان. ۱۵۶-۱۳۱

۸. مسعودی حیدرعلی (۱۳۸۸)؛ جنگ تحمیلی از منظر نظریه سازه‌انگاری؛ نقش ادراک هویتی در نظام تصمیم‌گیری عراق، فصلنامه نگین ایران، سال هشتم، شماره بیست و نهم، تابستان.

۹. مورفی الکساندر (۱۳۸۳)، تراژدی منازعات بنیادینی، ترجمه امیر مهریار، ماهنامه گزارش و گفتگو، شماره ۱۳، مهر و آبان. ۱۸۱-۱۷۰

۱۰. موسوی سید محمد، توتی حسینعلی و موسوی سید محمدرضا (۱۳۹۱)، تحولات انقلابی مصر و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوم، شماره ۳، پاییز. ۱۱۱-۸۷

۱۱. موير ریچارد (۱۳۷۹)؛ درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر با همکاری سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

۱۲. وفایی فرد فرهاد و طالبی آرانی روح‌اله (۱۳۹۸)، آینده روابط ایران و روسیه بر سر سوریه (همکاری با منازعه؟)، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان. ۱۱۸-۹۳

۱۳. یزدان‌فام محمود (۱۳۸۶)؛ دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی، مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، زمستان.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

۸-۲- منابع انگلیسی

1. Abbink Jon (2009), The Islamic Courts Union: The ebb and flow of a Somali Islamist Movement. In: Movers and Shakers: Social movements in Africa, edited by Ellis Stephen and Ineke Van Kessel, Netherlands: Koninklijke Brill NV Publishers.
2. Abbink Jon (2011), Religion in public spaces: Emerging Muslim–Christian polemics in Ethiopia, African Affairs, Vol. 110, Issue 439.
3. Adewunmi Falode James (2016), The Nature of Nigeria's Boko Haram War, 2010-2015: A Strategic Analysis, Journal of Perspectives on Terrorism, Volume 10, Issue 1, February.
4. Africa Center for Strategic Studies (November 20, 2015), Extremism: Root Causes, Drivers, and Responses, Spotlight. Retrieved from: http://africacenter.org/spotlight/extremism-root-causes-drivers-and-responses/
5. Agbiboa Daniel.E. (2014), Terrorism without Borders: Somalia's Al-Shabaab and the global jihad network, Journal of Terrorism Research, Vol. 5, Iss. 1. DOI: http://doi.org/10.15664/jtr.826
6. Alhaji-shehu, Bashir (2012), Ethno-Religious conflicts/Violence in Northern Nigeria, Master Thesis, Vienna (Austria): University of Vienna.
7. Ali, Abdisaid M. (2008), The Al-Shabaab Al-Mujahidiin – A Profile of the First Somali Terrorist Organisation, (paper presented to The Joint Kenya-Uganda Border Security and Management Workshop organised by IGAD Capacity Building Programme against Terrorism (ICPAT), Jinja, Uganda, April 28 – 29.
8. Arieff Alexis (2014), Crisis in the Central African Republic, Washington, D.C.: Congressional Research Service, May 14.
9. Asuelime Lucky E. & David Ojochenemi J. (2015), Boko Haram: The Socio-Economic Drivers, New York: Springer Cham Heidelberg.
10. Azunna, Chigozie Israel (2015), Ethnic and Religious Militia in Nigeria: The Case of Boko Haram, Asian Journal of Humanities and Social Sciences (AJHSS), Vol. 3, Iss. 3, December.
11. Barltrop Richard (2011), Darfur and the International Community: The Challenges of Conflict Resolution in Sudan, London/ New York: I.B.Tauris & Co Ltd.
12. Barnes Cedric & Hassan Harun (2007), The Rise and Fall of Mogadishu's Islamic

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

Courts, Journal of Eastern African Studies, Vol. 1, No. 2, July.

13. Berghof Foundation For Peace Support (2006), Sudan: Conflict Analysis and Options for Systemic Conflict Transformation A Northern and a Southern View, Berlin: Berghof Foundation For Peace Support.
14. Berry LaVerle (2015), Sudan: a country study (5 ed), Washington, DC: Federal Research Division, Library of Congress.
15. Branch Adam (2010), Exploring the roots of LRA violence: political crisis and ethnic politics in Acholiland. In: The Lord's Resistance Army: myth and reality, Edited by Tim Allen and Koen Vlassenroot, London & New York: Zed Books.
16. Deiros, Trinidad (2014), Central African Republic: The Invention of a Religious Conflict, Opinion Paper 67, Madrid: Instituto Español de Estudios Estratégicos (ieee. es), 16 June.
17. Dor, Malual Ayom (2017), Conflict Resolution As a Learning Process The Sudanese People's Liberation Movement/Army 1983-2005, Doctoral Thesis, London: King's College, University of London.
18. Ebegbulem Joseph C. (2011), Ethnic Politics and Conflicts in Nigeria: Theoretical Perspective, Khazar Journal of Humanities and Social Sciences, volume 14 number 3.
19. Eichstaedt Peter (2010), Pirate state: inside Somalia's terrorism at sea, Chicago: Lawrence Hill Books.
20. Erlich Haggai (2006), Saudi Arabia and Ethiopia: Islam, Christianity, and Politics Entwined, Boulder (USA): Lynne Rienner Publishers.
21. Essien Kwame and Falola Toyin (2009), Culture and customs of Sudan, Westport, CT: Greenwood Press.
22. Finnstrom Sverker (2003), Living with Bad Surroundings: War and Existential Uncertainty in Acholiland, Northern Uganda, Uppsala: Uppsala University Press.
23. Gebrewold -Tochalo Belachew (2009), Anatomy of Violence: Understanding the Systems of Conflictand Violence in Africa, Farnham: Ashgate.
24. Georgetown University (2013), Sudan: Race and Religion in Civil War, Religion and Conflict Case Study Series, Washington D.C.: Berkley Center for Religion, Peace, and World Affairs.
25. Heidelberg Institute for International Conflict Research (HIIK) (2005), Conflict

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

Barometer 2004, Crises - Wars - Coups d'E´ tat Negotiations - Mediations - Peace Settlements. No.13, Heidelberg: HIIK.

26. International Crisis Group (2002), Somalia: countering terrorism in a failed state, Africa Report N° 45, Nairobi/Brussels: International Crisis Group (ICG).
27. Jackson Paul (2010), Politics, Religion and the Lord's Resistance Army in Northern Uganda, Religions and Development Working Paper 43, Uk: University of Birmingham, Department for International Development (DFID).
28. Jacob, Ray Ikechukwu & Saad Suhana (2011), Ethnic conflict in Nigeria: Constitutional law and the dilemma of decision-making, Geografia OnlineTM: Malaysian Journal of Society and Space, Vol. 7, No. 2.
29. Jepperson Ronald, Wendt Alexander & Katzenstein Peter (1996). Norms, Identity, and Culture in National Security, In Peter J. Katzenstein, ed., The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics, New York: Columbia University Press.
30. Jok Jok Madut (2001), War and slavery in Sudan, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
31. Kam Kah, Henry (2014), Anti-Balaka/Séléka, Religionisation' and Separatism in the History of the Central African Republic, Conflict Studies Quarterly, Issue 9, October.
32. Kane Mouhamadou (2014), Interreligious violence in the Central African Republic: An analysis of the causes and implications, African Security Review, 23:3.
33. Karbo Tony (2013), Religion and social cohesion in Ethiopia, International Journal of Peace and Development Studies, Vol. 4(3), July.
34. Marine Corps Intelligence Activity (2014), Uganda Country Handbook, United States: Marine Corps Intelligence Activity, Department of Defense. Retrieved from: https:// info.publicintelligence.net/MCIA-UgandaHandbook.pdf
35. Menkhaus Kenneth J. (2005), Somalia and Somaliland: Terrorism, Political Islam, and State Collapse. In: Robert I. Rotberg (Ed.), Battling Terrorism in the Horn of Africa, Cambridge: World Peace Foundation.
36. Mergelsberg Ben (2010), Between two worlds: former LRA soldiers in northern Uganda. In: The Lord's Resistance Army: myth and reality, edited by Tim Allen and Koen Vlassenroot, London, New York: Zed Books.
37. Milkias, Paulos. (2011), Ethiopia (Africa in focus), Santa Barbara, California: ABC-

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

CLIO.

38. Møller Bjørn (2006), Religion and conflict in Africa: with a special focus on East Africa, Danish Institute for International Studies (DIIS) Report 6. 1-140. Retrieved from: https://www.files.ethz.ch/isn/20975/RP_06_6.pdf
39. Nwankwo, Beloveth Odochi (2015), Rhethorics and Realities of Managing Ethno-Religious Conflicts: the Nigerian Experience, American Journal of Educational Research, 2015, Vol. 3, No. 3.
40. Oppong, Joseph R (2010), Sudan, New York: Chelsea House (An imprint of Infobase Publishing).
41. Østebø Terje (2013), Islam and State Relations in Ethiopia: From Containment to the Production of a "Governmental Islam", Journal of American Academy of Religion, Vol. 81, Iss. 4.
42. Phillips Douglas A. (2004), Nigeria (Modern world nations), New York: Chelsea House Publishers.
43. Quitzow Rainer (2008), Local governance and national crisis in Côte d'Ivoire: Opportunities and challenges for community-based development and peace-building, World Bank. Retrieved from: http://siteresources.worldbank.org/EXTSOCIALDEV/Resources/3177394-1168615404141/3328201-1172597654983/Cote_dIvoire_Decision_meeting_draft_April008.pdf
44. Rudincová Kateřina (2011), Islamic Movements in Somalia: Global or Local Jihad? In The Scale of Globalization, Think Globally, Act Locally, Change Individually in the 21st Century, Ostrava: University of Ostrava.
45. Sage, Andre Le (2011), Countering the Lord's Resistance Army in Central Africa, Strategic forum, No. 270, Washington, DC: National Defense University, Institute for National Strategic Studies, Center for Strategic Research, July.
46. Saville, Kushner (1996). The Limits of Constructivism in Evaluation, Evaluation, Vol. 2.
47. Schomerus Mareike (2007), The Lord's Resistance Army in Sudan: A History and Overview, HSBA working paper, 8, Geneva (Switzerland): Small Arms Survey, Graduate Institute of International Studies.
48. Shinn David H. (2005), Ethiopia: Governance and terrorism. In: Robert I. Rotberg (Ed.),

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]

Battling Terrorism in the Horn of Africa, Cambridge: World Peace Foundation.

49. Sidahmed Abdel Salam and Sidahmed Alsir (2005), Sudan, Londan and New York: RoutledgeCurzon is an imprint of the Taylor & Francis Group.

50. Siradag Abdurrahim (2016), Explaining the Conflict in Central African Republic: Causes and Dynamics, Epiphany: Journal of Transdisciplinary Studies, Vol. 9, No. 3.

51. Solomon Hussein (2015), Terrorism and Counter-Terrorism in Africa: Fighting Insurgency from Al Shabaab, Ansar Dine and Boko Haram, New York: Palgrave Macmillan.

52. Stockmans Jep (2014), Ethiopian Muslims in the public space of Addis Ababa since 1991, Master thesis History submitted to Faculty of Arts and Philosophy Department at University of Ghent.

53. Warf Barney (Ed.) (2006), Encyclopedia of human geography, London: SAGE Publications Inc.

54. West Sunguta (2006), Somalia's ICU and its Roots in al-Ittihad al-Islami, Terrorism Monitor, Vol. 4 Iss. 15. Accessible in: https://jamestown.org/program/somalias-icu-and-its-roots-in-al-ittihad-al-islami/

55. Williams Lizzie and Shenley Mark (2012), Nigeria, United Kingdom: Bradt Travel Guides.

56. Young John (2007), The Eastern Front and the Struggle against Marginalization, Geneva: Small Arms Survey, Graduate Institute of International Studies.

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۰۰۱۰۷
حافظ‌نیا، محمدرضا؛ میرزائی تبار، میثم (۱۳۹۹)، «تبیین ژئوپلیتیکی منازعات بنیادینی و مذهبی کمربند صفر تا ۱۵ درجه شمالی آفریقا (از ۱۹۹۱ به بعد)»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س ۱۰، ش ۱، بهار ۹۹، صص ۱۹۱-۱۵۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.23222980.1399.10.1.8.9]